

چالش‌ها و نقطه‌های عزیمت در آموزش و پرورش ایران

سیدجواد حسینی

بخش دوم

۷- بی‌انگیزگی معلمان:

معلمان، رکن اصلی تعلیم و تربیت و کارگزاران فکور نظام آموزشی و تربیتی‌اند. آنها رقااص اندیشه‌ها و ایده‌ها، نوآوری و خلاقیت در پهنه گسترده آموزش و پرورش‌اند و می‌توانند جان‌نشین تمام نداشته‌های آموزش و پرورش لقب گیرند. معلمان باید از دو ویژگی دارا بودن علاقه و انگیزه و نیز صلاحیت‌های حرفه‌ای برخوردار باشند. نبود هر یک از این دو تمامی تلاش‌ها در ارتقای تعلیم و تربیت را با چالش مواجه می‌سازد، موضوعی که تا حد زیادی در نظام تعلیم و تربیت ایران مصداق می‌یابد؛ بنابراین مدیریت نظام تعلیم و تربیت به عنوان یک اقدام راهبردی باید این مساله را در اولویت کاری خود قرار دهد. به نظر می‌رسد اجرای جامع و موثر نظام رتبه‌بندی معلمان گام بسیار مهمی در این راستا تلقی می‌شود. نظام رتبه‌بندی که اجرا شد، نتوانست به حل این معضل کمک کند؛ زیرا دو اقدام مهم پیشینی و پسینی نیاز داشت. اقدام پیشینی استقرار نظام جامع سنجش صلاحیت‌های معلمي است که در فقدان آن نظام رتبه‌بندی از معنا تهی می‌شود و اقدام پسینی بهره‌مندی معلمان از مزایای نظام رتبه‌بندی مانند اعضای هیات علمی دانشگاه است که هم در حقوق و دستمزد و جبران خدمات آموزشی و هم منزلت اجتماعی و سایر مزایای مربوطه باید موردنظر قرار گیرد و معلمان را از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری خارج کرده و آنها را از کارمندی تبدیل به هیات علمی نموده و این موضوع از طریق تدوین و تصویب قانون خاص برای وزارت آموزش و پرورش امکان‌پذیر است. در این قانون علاوه بر نظام نیروی انسانی، فرصت‌های اقتصادی آموزش و پرورش برای باروری، ظهور و حضور مجددی می‌یابند و به فعلیت می‌رسند.

۸- برنامه درسی ملی

برنامه‌ریزی درسی در دو نوع آشکار یا رسمی و پنهان و غیررسمی شکل می‌گیرد. بدترین حالت آن است که این دو نوع برنامه درسی به عنوان

دوقطبي پدیدار شود و از همدیگر فاصله گیرد و بدتر از آن شکل متضاد یا غلبه برنامه درس ملی بر برنامه درسی پنهان هویدا شود، وضعیتی که کمابیش در نظام آموزشی ایران مصداق یافته است، برنامه درس ملی بنیان اصلی نظام تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد. این برنامه باید منعطف، پویا، جامعه‌محور، دانش‌بنیان، مبتنی بر ارزشها و کارآمد و چابک و تمام‌ساحتی باشد. موضوعی که به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از آن در برنامه درس ملی ایران مفقود است. از حجیم بودن ساعات آموزشی تا یکنواختی آموزش، تک‌ساحتی بودن، غیرقابل‌انعطاف، غیرمشارکتی، ذهنی‌گرا و غیرکاربردی همه از معایب جدی نظام درسی ملی ایران است، نظام برنامه درسی ملی برای رفع این چالشها باید به شکل مشارکتی و جامع محور، دانش‌گرا و مبتنی بر نیازهای دانش‌آموزان باز مهندسی مجدد شود، خصوصا با تکیه بر ماموریت اصلی آموزش و پرورش تحول جدی یابد.

۹ - بحران هویت ملی و دینی

در همه نظام‌های آموزشی یکی از آرمان‌های آموزش و پرورش تعمیق هویت دانش‌آموزان است. سند تحول بنیادین هم بر این موضوع تأکید جدی دارد. آموزش و پرورش باید قادر باشد دانش‌آموزان را در سطوح مختلف خانوادگی، محلی و ملی از یکسو مبتنی بر ارزشهای ملی و دینی و از دیگر سو دارای هویتی ترکیب تربیت نماید، به‌گونه‌ای که همه عناصر هویت‌بخش در دانش‌آموزان شکل گیرد و حس هویت دینی و ملی موجب انسجام اجتماعی، خانوادگی و... محلی گردد و تعلق به دین و وطن را در ایشان برانگیزاند. جای تأسف است که آموزش و پرورش ایران در تحقق چنین هدفی از کامیابی مطلوب برخوردار نیست و به همین دلیل بخشی از دانش‌آموزان خصوصا در دوره متوسطه و به‌ویژه در دوران دانشگاه از بی‌هویتی رنج می‌برند و بحران هویت در ایشان هویدا می‌گردد. شاهد مثال این مدعا میل ۶۷ درصد دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور است. در این مسیر برنامه درسی و محتوای آن و فرصت‌های تربیتی و مدیریت آموزشی باید خود را به‌گونه‌ای بازنمایی نماید که احساس بحران هویت به افتخار هویت مبدل گردد و دانش‌آموزان از ناهمزمانی و ناهم‌زمانی با نظام تعلیم و تربیت فاصله گیرند.

۱۰ - عدالت آموزشی

قوام جامعه بر گسترش عدالت ابتننا و اتکا دارد، قرآن کریم رسالت پیامبران را برپایی قسط و عدل برمی‌شمارد. مهم‌ترین محور استقرار عدالت، عدالت آموزشی است. آموزش و پرورش ساده‌ترین، فراگیرترین و ارزان‌ترین راه برقراری تحرك و عدالت اجتماعی محسوب می‌گردد. مسیر عدالت اجتماعی از عدالت آموزشی عبور می‌کند. یکی از کارکردهای محافظتی مدرسه و محافظت دانش‌آموزان در برابر

نداشته‌های ایشان در بیرون از مدرسه قلمداد می‌گردد. اگر نظام آموزشی و مدرسه نتواند جانشین خوبی برای نداشته‌ها و محرومیت‌های برخی از دانش‌آموزان باشد، اصولاً نباید به بسط عدالت اجتماعی امید بست. متأسفانه در جامعه ایران ۸۵ درصد مدارس دولتی است. این مدارس از نبود استانداردهای کافی رنج می‌برند. حال آنکه دانش‌آموزانی که به خدمات آموزشی بیشتر از سایرین نیازمندند در این مدارس درس می‌خوانند و دانش‌آموزان برخوردار در مدارس ۲۳ گانه دیگر به تحصیل اشتغال دارند. مدارس دولتی غالباً بی‌کیفیت و غیراستانداردند که نه تنها فقر آموزشی و در نتیجه بی‌عدالتی را کنترل یا کاهش نمی‌دهند؛ بلکه موجب تشدید تکثیر و تثبیت نابرابری بیرون از مدرسه و در بسیاری از موارد تسریع آنها می‌گردند. طبقاتی شدن آموزش معضل بزرگ امروز نظام آموزشی ایران محسوب می‌گردد و از فوری‌ترین و اساسی‌ترین اولویت‌هایی که در آموزش و پرورش ایران باید مورد نظر قرار گیرد، رسیدگی به مناطق محروم، دوزبانه، عشایری، مرزی، استان‌ها، مناطق محروم حاشیه شهرها و خصوصاً در مقیاس مدرسه، مدارس دولتی در برابر سایر انواع بیست و سه‌گانه مدارس است تا از این طریق بر فقر و نابرابری آموزشی غالب آیم و شاهد گسترش عدالت آموزشی و در نتیجه عدالت اجتماعی باشیم. ارتقای مدارس غیردولتی و استانداردسازی مدارس در ابعاد مختلف و کاهش تنوع مدارس در نظام آموزشی کشور دو راهبرد مهم در این راستا تلقی می‌گردند.

۱۱ - آموزش کارخانه‌ای

آموزش و پرورش باید مبتنی بر نیاز جامعه از یکسو و استعدادهای دانش‌آموزان از دیگر سو تعلیم و تربیت دانش‌آموزان را هدایت کرده و به پیش برد. جامعه دارای نیازمندی‌های گوناگونی است که آموزش و پرورش دانش‌آموزان را برای پاسخگویی به این نیازها آماده می‌سازد. از سوی دیگر دانش‌آموزان دارای استعدادهای متفاوتی هستند که نظام آموزشی مطلوب باید با شناخت این استعدادهای مبتنی بر تفاوت‌های فردی از آموزش‌های یکنواخت فرمال و کارخانه‌ای بپرهیزد. آموزش‌های خصوصی شده یا فردی شده مبتنی بر این استعدادهای وجهه همت خویش سازد. نظام فعلی آموزش ایران هم‌راستا با چنین نیازی نیست و بلکه به شکل یکنواخت و کارخانه‌ای همه دانش‌آموزان را با روش‌ها و محتواهای یکسان تعلیم و تربیت می‌دهد. حال آنکه باید هم مدارس و هم مدیران و معلمان از آن مهم‌تر خانواده‌ها و دانش‌آموزان را آماده آموزش‌های مبتنی بر فردیت ساخت، طرح شهاب در مدارس در این راستا طراحی و به اجرا گذاشته شد که به دلیل عدم آمادگی معلمان، محتوای مدیریت مدارس، ناکام مانده و باید با تمهید مقدمات و بسترسازی لازم جان تازه یابد.

۱۲ - جذب، ساماندهی و نگهداشت نیروی انسانی

شیوه‌های جذب نیروی انسانی به‌ویژه معلمان در آموزش و پرورش به عنوان دروندادهای نظام آموزشی همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و هست. شیوه‌های متعددی که در طول تاریخ آموزش و پرورش تجربه شده هر کدام دارای مزایا و نواقصی است، امروز تنها مسیر جذب نیرو در نظام تعلیم و تربیت دانشگاه فرهنگیان است. گرچه می‌توان درخصوص شیوه جذب و تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان تأملات جدی داشت و همکاری سایر دانشگاه‌ها را در این خصوص بیشتر تمهید نمود. مهم‌تر از آن به نگهداشت نیروی انسانی در تعلیم و تربیت اندیشید؛ اما در کنار این دو موضوع مهم ساماندهی نیروی انسانی است که همواره دچار ناترازی و عدم تعادل‌های منطقه‌ای، جنسیتی، رشته‌ای و مقطعی بوده و بهره‌وری در نظام تعلیم و تربیت را به‌شدت آسیب‌زده است. تدوین نظام جامع جذب آمایش و ساماندهی نیروی انسانی مبتنی بر نیاز و شدت نیاز مناطق و مقاطع و نیز جنسیت نیروی انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است که باید جهت حل آن همت مضاعف نشان داد.

۱۳ - تامین منابع و اقتصاد آموزش و پرورش

تامین منابع در نظام آموزش و پرورش کشور از چند جهت تنگناها و مشکلات خاص خود را به همراه داشته و دارد. کم‌توجهی به استان‌داردهای لازم در سرانه‌های آموزشی، ورزش، تربیتی و توان‌بخشی، سطح پایین حقوق و دستمزد و نظام جبران خدمات آموزشی کارکنان و معلمان، استان‌دردسازی تجهیزات و کارگاه و آزمایشگاه از یکسو و عدم تخصیص‌های به‌موقع از دیگر سو در کنار کسری بودجه‌های سالانه که به سنوات آتی منتقل می‌گردد، مشکلاتی است که تامین منابع اعتباری در نظام آموزشی را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد. در کنار این موضوع استان‌داردهای هزینه‌های جاری به کیفیت‌بخشی، سهم دولت از پرداخت‌های آموزشی دانش‌آموزان به نسبت سهم خانوار، تامین سرانه‌های استان‌دارد لازم، سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور نیز معضلات دیگری است که کیفیت‌بخشی و عدالت آموزشی را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. برای رفع مشکلات اعتباری و اقتصادی آموزش و پرورش به نظر می‌رسد سه مسیر مشخص را باید پیمود:

اول افزایش بودجه و تامین اعتبار آموزش و پرورش در تراز استان‌داردهای جهانی از طریق منابع دولتی وفق اصول قانون اساسی.

دوم اعطای مجوزهای قانونی لازم برای به فعلیت درآوردن لشکر عظیم اقتصادی خفته و بالقوه در آموزش و پرورش.

و سوم تدوین نظام‌نامه مشارکت آموزش و پرورش با سایر دستگاه‌های دولتی و عمومی.

□□□□□□ 1403 □□□□□□ 19 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□